

تأثیر شبکه متداخل استراتژیک ایران بر دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی

فرهاد قاسمی^۱
زهرا لطفیان اکبرآبادی^۲

چکیده

تحول در نظام بین الملل و مرزبندی‌ها و اهمیت یافتن چگالی فرآیند ارتباطات درون آن و به عبارتی پیچیدگی سیستم جهانی، سبب ناکارآمدی نگرش‌های سنتی در دیپلماسی شده است. از این منظر، حوزه مطالعات دیپلماتیک نیاز به رهیافت نوینی دارد که برای این منظور «نظریه شبکه» می‌تواند مفید باشد. در همین راستا، این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به مدل تحلیلی شبکه‌های متداخل، تأثیر شبکه متداخل جمهوری اسلامی ایران بر دیپلماسی منطقه‌ای آن چیست؟ نویسندگان مقاله حاضر بر این باورند که شبکه متداخل جمهوری اسلامی ایران و ویژگی‌های ساختی و درونی آن سبب تغییر وضعیت چانه‌زنی منطقه‌ای کشورمان شده و مدل منطقی و فیزیکی سیستم دیپلماتیک ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، محیط شبکه متداخل فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در دست‌یابی به منافع ملی و تأمین اهداف سیاست خارجی پدید می‌آورد. از این منظر دیپلماسی شبکه‌ای هوشمند یکی از مهم‌ترین و متعارف‌ترین سیستم‌های دیپلماتیک در عرصه سیستم نوین بین الملل است.

کلیدواژه‌ها: تئوری شبکه، شبکه متداخل، دیپلماسی، ژئوپلتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، دیپلماسی هوشمند، دیپلماسی نرم.

^۱ دانشیار روابط بین الملل در دانشگاه تهران (نویسنده مسؤول)، fghasemi1@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شیراز

مقدمه

دیپلماسی برای اجرای سیاست خارجی یکی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های کشورها در عرصه سیاست بین‌الملل به‌شمار می‌آید و این موضوع ریشه در تاریخ روابط بین‌الملل دارد. اما دیپلماسی همیشه تحت تأثیر متغیرهای مختلفی از جمله ساخت سیستم بین‌الملل قرار داشته است، در این میان چارچوب سیستمی روابط بین‌الملل نیز طی فرآیند زمانی ثابت و ایستا نبوده و متحول شده است. یکی از مهم‌ترین تحولات اهمیت و شدت یافتن ارتباطات در درون سیستم بین‌المللی است. این تحول مرزبندی‌های سنتی سیستم را تغییر داده و عناصر نوینی را وارد عرصه تحلیلی کرده است. ارتباطات سبب شکل‌گیری نقاط، حلقه‌ها و گره‌های مختلف در سیاست خارجی یک کشور می‌شود. تحول سیستم بین‌الملل سبب شکل‌گیری سیستم‌هایی از نوع پیچیده و آشوب شده است. این سیستم برخلاف سیستم‌های سنتی و کلاسیک از نوع غیرخطی است که به همین جهت دارای واحدها، قواعد، مرزها و کنش‌های متقابل و راه‌بردی خواهد بود که محدودیت‌ها و فرصت‌های نوینی را برای سیاست خارجی و کنش‌های استراتژیک کشورها ایجاد می‌کند. به این ترتیب در حوزه مطالعات دیپلماتیک و سیاست خارجی نگرش‌های نوینی ضروری است که به این پیچیدگی‌ها توجه کند. نگرش شبکه از جمله نگرش‌های نوینی است که می‌تواند راهنمای سیاست خارجی و طراحی دیپلماسی کشورها در چنین سیستم‌هایی باشد. به عبارت دیگر، نظم سیستمی تبدیل به نظم شبکه‌ای شده است که در آن مناطق به عنوان حلقه‌های یک شبکه خاص مطرح می‌گردند.

در این میان مفهوم منطقه و اقدام در سطح منطقه‌ای هم بر اساس نظم شبکه‌ای تحولات متعددی را تجربه کرده است. به این جهت دیپلماسی نیز به عنوان سیستم مدیریتی اقدام راه‌بردی متحول گردیده است. لذا کشورها با واقعیت‌های نوینی در عرصه دیپلماسی و به‌ویژه دیپلماسی منطقه‌ای روبه‌رو هستند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. این کشور به دلیل برخورداری از پتانسیل‌هایی از قبیل موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، منابع فراوان گاز و نزدیکی جغرافیایی به دریاهای آزاد و تنگه استراتژیک هرمز، کانونی بودن در شبکه منطقه‌ای و یا قدرت پیوندی آن از جایگاه ویژه‌ای در حوزه سیستمی سیاست بین‌الملل برخوردار است. از سوی دیگر ایران با توجه به موقعیت ترانزیتی خود که ناشی از برتری‌های ژئوپلیتیکی است، یعنی قرار گرفتن در چهارراه بین‌المللی حائز اهمیت است. به سبب این موقعیت، ایران درون شبکه پیچیده منطقه‌ای قرار گرفته است و از مهم‌ترین ویژگی‌های این شبکه متداخل بودن آن است. لذا دیپلماسی آن به‌ویژه در حوزه منطقه‌ای بر اساس نظریه شبکه‌های متداخل قابل تبیین است. شبکه‌ها سازه‌های فیزیکی هستند که اجزاء آن‌ها از طریق ارتباطات و الگوهای ارتباطی شکل گرفته و مرزبندی‌های شان بر اساس چنین ارتباطاتی حاصل می‌گردند و تداخل بین گونه‌های مختلف آن از طریق چنین پیوندهای ارتباطی نیز

حاصل می گردد که نتیجه آن شبکه کلی متداخل خواهد بود. شبکه های مذکور دارای ویژگی هایی هستند که قواعد و مدل فیزیکی خاصی را بر ایران تحمیل می کند. با توجه به شکل گیری شبکه های متداخل منطقه ای، سؤال اصلی مقاله بر این مبنا شکل می گیرد که شبکه متداخل جمهوری اسلامی ایران بر اساس مدل نظری-تحلیلی شبکه و شبکه متداخل چه تأثیری را بر الگوهای دیپلماسی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران در پی دارد؟ در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، این فرضیه مطرح می شود که شبکه متداخل جمهوری اسلامی ایران و ویژگی های ساختی و درونی آن در قالب تداخل متغیرهای ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال در قالب مدل شبکه های متداخل، سبب تغییر وضعیت چانه زنی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران شده و مدل منطقی دیپلماتیک در قالب قواعد دیپلماسی و مدل فیزیکی سیستم دیپلماسی ایران را در قالب الگوهای دیپلماسی تحت تأثیر قرار می دهد.

در زمینه سؤال اصلی مقاله، برخی از آثار و متون جنبه نظری داشته و به طرح نظریه شبکه اقدام کرده اند؛ «طرح مفهومی مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» (قاسمی، ۱۳۸۱)، «نگرش تئوریک بر طراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران» (قاسمی، ۱۳۸۶)، «نگرش شبکه ای به مناطق و تحلیل آن از دیدگاه تئوری های سیکلی» (قاسمی، ۱۳۸۷)، «نظام نوین بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» (قاسمی، ۱۳۸۸ الف) و «الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران» (قاسمی، ۱۳۸۸ ب) از این جمله اند. از سوی دیگر، جوادی ارجمند در مقاله ای به بررسی تأثیر جهانی شدن بر دیپلماسی عمومی ایران در سیاست خارجی پرداخته است (جوادی ارجمند، ۱۳۹۲، صص ۱۶۳-۱۸۰). سجادپور و مهدی زاده نیز در مقاله ای به قدرت نرم و ارتباطات در اجرای سیاست خارجی اشاره کرده اند (سجادپور و مهدی زاده، ۱۳۹۱، صص ۹۸-۸۱). هرسیچ و رحیمی نیز تحولات ۲۰۱۱ را بر میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مد نظر قرار داده اند (هرسیچ و رحیمی، ۱۳۹۱، صص ۱۲۰-۹۹). محرابی، صفوی و مهدیان نیز انرژی و امنیت ملی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند (محرابی و دیگران، ۱۳۹۲، صص ۵۹-۳۲). اعظمی و دبیری نیز چالش های ژئوپلیتیک ایران در آسیای مرکزی را بررسی کرده اند (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۲، صص ۴۵-۲۴). بیشتر آثار موجود در حوزه دیپلماسی ایران در قالب کلاسیک و نظریه های موجود در این قالب به بررسی دیپلماسی ایران اقدام کرده اند، اما به نظر می رسد که از منظر نگرش شبکه ای نیز می توان به بررسی حوزه دیپلماسی ایران اقدام کرد.

با توجه به ناکارآمدی ادبیات موضوع، هدف پژوهش ارائه مدل تحلیلی شبکه و وارد ساختن آن به ادبیات مطالعات دیپلماتیک ایران است. به همین جهت برای بررسی فرضیه پژوهش از روش تجربی از نوع مطالعه موردی با تقدم مدل نظری بهره گرفته می‌شود. به همین سبب ابتدا به طرح بنیان‌های نظری مدل دیپلماسی منطقه‌ای بر اساس شبکه‌های متداخل پرداخته و سپس بر اساس مدل طراحی شده، تأثیر شبکه متداخل استراتژیک ایران بر دیپلماسی منطقه‌ای آن مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۱- بنیان‌های مفهومی و نظری: مدل تحلیلی شبکه‌های متداخل و دیپلماسی منطقه‌ای

نظم نوین سیستمی تأثیر مستقیمی بر مبانی نظری دیپلماسی و حوزه مطالعاتی آن دارد. دیپلماسی در سیستم پیچیده و آشوب، نیازمند مدل تحلیلی خاصی است که در آن عناصر نوینی مطرح می‌شود. به طور کلی سیستم‌ها را می‌توان به دو گروه سیستم‌های ساده و خطی و در مقابل، سیستم‌های پیچیده و آشوب تقسیم کرد. سیستم‌های ساده از نوع خطی هستند که در آن بین ورودی‌های سیستم و میزان خروجی آن‌ها تناسب وجود دارد. این در حالی است که سیستم‌های پیچیده و آشوب از نوع غیر خطی بوده و تناسبی بین این دو برقرار نیست (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: قاسمی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸). از سوی دیگر، دیپلماسی مدیریت توان در سیستم برای دست‌یابی به اهداف مندرج در سیاست خارجی است، در نتیجه بررسی مبانی منطقی و فیزیکی دیپلماسی در سیستم‌های نوین ضروری است. مبانی مذکور را می‌توان بر اساس نظریه شبکه و شبکه‌های متداخل طراحی کرد.

۱-۱- چارچوب فیزیکی مدل تحلیلی

منطق نوین پیچیدگی در حوزه مطالعات دیپلماسی، در قالب فیزیکی مشخصی تحت عنوان شبکه‌ها تجلی می‌یابند (رجوع شود به: Blue, 2008, pp. 458-9; Holton, 2005, pp. 209-215). اصولاً شبکه سازه فیزیکی است که از طریق پیوندهای ارتباطی بین اجزاء تشکیل‌دهنده به وجود می‌آید، به عبارت دیگر، می‌توان شبکه را به عنوان سازه‌های ارتباطی تعریف کرد. شبکه‌های مذکور دارای گونه‌های مختلفی هستند که به دلیل هم‌پوشانی بین آن‌ها، شبکه‌های متداخل متجلی خواهد شد (رجوع شود به: Lesne, 2006). تنوع ارتباطی واحدها و گره‌ها، و هم‌زمانی ارتباطات و تداخل مرزبندی آن‌ها، سبب شکل‌گیری شبکه‌های مختلف اما متداخل می‌شود. جدال‌های نوین در عرصه مطالعات نظری روابط بین‌الملل به‌ویژه از ۲۰۰۱ به بعد بر چارچوب فیزیکی روابط بین‌الملل و چارچوب سیستمی نظم متمرکز بوده است. محور چنین جدالی بر خطی یا غیر خطی بودن سیستم‌ها متمرکز شد که در این میان سیستم‌های خطی خود را بر علم روابط بین‌الملل تحمیل کردند. سیستم‌های غیر خطی بر مفهوم شبکه در قالب ارتباطی متمرکز می‌شود و بسیاری

از مفاهیم از جمله مرزهای جغرافیایی جای خود را به مرزهای ارتباطی دادند (رجوع شود به: Tilebein, 2006; Brown, Thelen, 2005; Stacey & Shaw, 2000).

به همین سبب مرزها به عنوان محصورکننده مکان، جای خود را به «فضا» دادند. فضا مفهومی سیال بوده و به همین جهت دینامیک خاصی به سیستم‌ها و شبکه‌ها خواهد بخشید. برای نمونه، نتیجه تداخل فضاها و مرزها، تداخل سیستم‌ها و شبکه‌ها و شکل‌گیری مفهوم شبکه‌های متداخل است. از این منظر شبکه‌های منطقه‌ای و جهانی از ترکیب سه شبکه متمایز ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال با اصول و مبانی متفاوت به وجود می‌آیند. هر کدام از این شبکه‌ها نیز دارای مرزبندی خاص خود است، اما به دلیل پیوند ارتباطی با یکدیگر تداخل خواهند داشت (رجوع شود به Dicken, 2001 و قاسمی ۱۳۹۰، قاسمی، ۱۳۸۷). به طور کلی شبکه‌های متداخل در روابط بین‌الملل، به دلایل مختلفی به وجود می‌آیند. مهمترین دلایل شکل‌گیری شبکه متداخل عبارتند از:

۱- تداخل شبکه‌ها از بعد کارکردی در قالب شبکه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال با یکدیگر؛

۲- تداخل نقشی واحدهای تشکیل‌دهنده شبکه‌ها: تداخل هم‌زمان در حوزه‌های موضوعی و مکانی متفاوت؛

۳- پیوند موضوعی و کنش‌های متقابل درون شبکه‌ها؛

۴- تداخل مرزبندی‌های کارکردی، جغرافیایی و هویتی؛

۵- تداخل در قواعد بازی‌های استراتژیک و پیوند بین آن‌ها.

شبکه‌های متداخل دارای ویژگی‌های خاص خود هستند. از بعد مرز و در قالب فضا، شبکه‌ها دارای وضعیت‌های مختلف از جمله فضای نسبی، تجویزی (ادغام شده) و انتقالی هستند. در فضای انتقالی، واحدها و حلقه‌ها به گونه‌ای اقناع خواهند شد که بر اساس نیازهای شبکه اقدام کنند. از این منظر و در کل دو نوع شبکه را می‌توان تشخیص داد؛ شبکه‌هایی که عمل انتقال به طور کامل در آن‌ها صورت گرفته و واحدها با یکدیگر متحد شده و شبکه پایدار می‌شود و مرکز شبکه، عهده‌دار نمایندگی تمامی واحدهای نامتجانس می‌شود. نوع دوم شبکه‌هایی هستند که در آن بین بازیگران و میانجی‌گرها تنوعی از روابط مشاهده می‌شود و هنجارها نیز در آن به صورت استاندارد در نیامده است. بنابراین، اجزاء متفاوت شبکه مکرراً مجبور به مذاکره با یکدیگر خواهند بود و بین آن‌ها ائتلاف‌های مختلف و متنوعی پدیدار می‌شود و

همچنین هر لحظه احتمال تغییر وجود خواهد داشت. درون شبکه، فضای تجویز و مذاکره شکل خواهد گرفت. شبکه‌هایی که متحدالشکل بوده و کاملاً رسمی هستند، دارای قواعد خاص رفتاری بوده و در حقیقت تمامی دستورات و راه حل‌ها بر واحد یا واحدها تجویز خواهد شد. بنابراین فضاهاى تجویز، فضاهاى هستند که در آن دستورات رفتاری شکل گرفته و اقدامات مشخصی نیز برای واحدها پیش‌بینی شده است (قاسمی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸).

از سوی دیگر شبکه‌ها دارای سه گونه کلی ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال هستند که هر کدام دارای چرخه قدرت به ترتیب چرخه قدرت نظامی، قدرت اقتصادی و قدرت هویتی، فرهنگی و شناختی خواهند بود. واحدها به صورت هم‌زمان در تمامی آن‌ها عضویت داشته و تحت تأثیر متغیرهای آن‌ها هستند. نمودار کلی آن‌را می‌توان به صورت شکل ۱ نشان داد.

۱-۲- مبانی منطقی مدل تحلیلی دیپلماسی در شبکه‌های متداخل

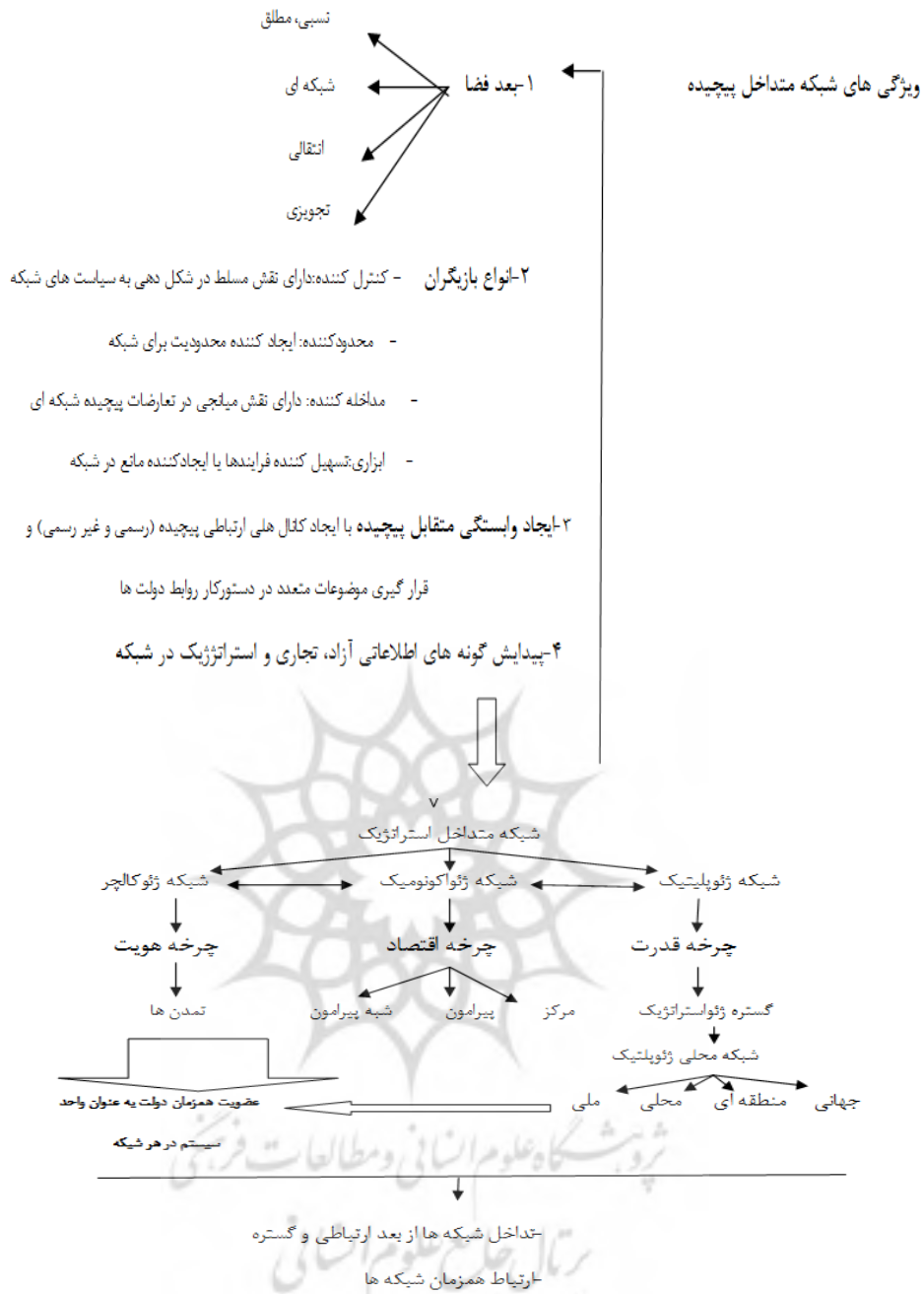
بخش دیگر مدل تحلیلی شبکه متداخل، اصول و مبانی منطقی مدل است. آن‌ها بیان‌گر قواعد بنیادین و روندهای نوینی هستند که در موج سیستم‌های پیچیده و آشوب و کاربرد آن‌ها در حوزه مطالعات دیپلماتیک قابل مشاهده‌اند. اصول مذکور عبارتند از:

- ۱- جدال‌های پارادایمی در روابط بین‌الملل، به سمت جدال‌های پیچیدگی سیر کرده است،
- ۲- شبکه‌های پیچیده و متداخل نمودی از چنین پیچیدگی محسوب می‌شوند. تغییر و تحول در روابط بین‌الملل، تحول در دیپلماسی را به دنبال داشته است،
- ۳- شبکه‌ای شدن و پیچیدگی سیستم بین‌الملل، باعث شبکه‌ای شدن دیپلماسی شده است،
- ۴- در سیستم بین‌الملل پیچیده نوین، سیستم ارتباط محور جایگزین سیستم جغرافیامحور شده است و نوعی سیالیت در مرزبندی‌های سیستم مشاهده می‌شود،
- ۵- سیستم جهانی دارای گستره‌های متمایز درونی تحت عنوان مناطق یا شبکه‌های منطقه‌ای هستند،
- ۶- الگوی توزیع ارتباطات در سیستم بین‌الملل مرزبندی سیستم را مشخص می‌کند،
- ۷- ساخت نوین سیستم بین‌الملل، با نقش‌پردازی نیروهای بنیادین قدرت، اقتصاد و فرهنگ به وجود آمده است،
- ۸- نیروهای اقتصاد، شبکه ژئواکونومیک، نیروی قدرت، شبکه ژئوپلیتیک و نیروی هویت، شبکه ژئوکالچرال سیستم را تشکیل می‌دهند،

- ۹- با توجه به آثارشیک بودن سیستم بین الملل، جایگاه واحدها در سیستم بر اساس عنصر قدرت مشخص می شود،
- ۱۰- قدرت در شبکه، با توجه به جایگاه واحد در شبکه و بر اساس مرکزیت، واسطه یا حاشیه ای بودن متفاوت است، از طرفی بر اساس قدرت سخت، نرم و یا هوشمند نوع دیپلماسی اعم از سخت، عمومی و هوشمند شکل می گیرد،
- ۱۱- شبکه ها بین دو نظم منطقه ای (درونی) و نظم جهانی قرار دارند،
- ۱۲- نظم نوین دارای سه ویژگی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و ژئوکالچرال است،
- ۱۳- نظم نوین ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و ژئوکالچرال در شبکه متداخل در پیوند بایکدیگر هستند،
- ۱۴- نظم شبکه ای با توجه به نحوه توزیع ارتباطات و قدرت در شبکه متفاوت است، گونه بندی مناطق نیز بر اساس کانون های ارتباطی، سمت گیری جریان ارتباطات و غیره صورت می گیرد،
- ۱۵- از منظر شبکه ای، مناطق از چهار نوع نظم سلسله مراتبی، تصادفی، فاقد معیار و سامان یافته برخوردار هستند،
- ۱۶- نوع قدرت در شبکه بر دیپلماسی منطقه ای آن اثرگذار است،
- ۱۷- نوع شبکه منطقه ای یا الگوهای رفتاری سیستمی و جایگاه واحدها درون آن بر دیپلماسی اثرگذار است.

۳-۱- مبانی نظم در مدل تحلیلی شبکه های متداخل

با توجه به الگوی ارتباطات و چگالی آن و بر اساس میزان انسجام شبکه ای و سازوکار نظم در هر کدام از شبکه ها، شبکه های منطقه ای به انواع سامان یافته، تصادفی، فاقد معیار و سلسله مراتبی تقسیم می شوند. در این میان، شبکه های تصادفی بر اساس الگوی ارتباطات شکل گرفته اند که الگوهای مذکور فاقد هر گونه نظم اند و به طور کلی روابط بین اجزاء آنها به صورت تصادفی بر قرار شده است. از سوی دیگر در نقطه مقابل آن شبکه های سامان یافته قرار دارند که ارتباطات منظم و مدیریت شده بر آنها حاکم است. در میانه این دو نوع از شبکه، شبکه های فاقد معیار را می توان نام برد که از ویژگی های آنها خوشه ای بودن است. الگوی ارتباطات در خوشه ها از نظم بیشتری نسبت به کل شبکه برخوردار خواهد بود. از سوی دیگر بر اساس نحوه سامان دهی ارتباطات می توان از شبکه های سلسله مراتبی یا چرخه ای نام برد. از منظر نوع روابط هم می توان به شبکه های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال اشاره کرد. این در حالی است که شبکه های متداخل حاصل هم پوشانی و تداخل شبکه های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال و یا حتی تداخل شبکه های مشابه است.



شکل ۱: ویژگی های شبکه متداخل و پیامدهای آن

در نتیجه برای شناخت مبانی نظم در مدل تحلیلی شبکه‌های متداخل و دیپلماسی منطقه‌ای می‌بایست به بررسی عناصر نظم در هر کدام از شبکه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال پرداخت. عناصر مذکور بر اساس چارچوب سیستم، چرخه سیستم و نوع آن، الگوهای رفتاری و ساماندهی الگوهای رفتاری نوع نظم در شبکه متداخل مورد سنجش قرار خواهند گرفت. مدل کلی آن‌را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

شبکه سامان یافته	شبکه تصادفی	شبکه فاقد معیار	شبکه سلسله مراتبی
انجام اقتصادی	روابط تصادفی	خوشه ای بودن شبکه	قطبی بودن شبکه
انجام سیاسی	غیرقابل پیش بینی بودن رفتارها	وجود کانون های منطقه ای	هژمون منطقه ای
انجام مدیریتی	فقدان انجام درونی	قدرت عمومی	نظم تحمیلی منطقه
انجام فرهنگی	رسوخ ناپذیر بودن	انشقاق های درونی	یکسان سازی اجباری
سازوکارونظم درونی بالا	عدم وجود نظم در ساختار درونی	کارکرد نظم درونی سیستم: پایین	کارکرد نظم درونی سیستم: متوسط



نظم سیستمی شبکه متداخل			
چارچوب سیستمی	شبکه ژئوپلیتیک	شبکه ژئواکونومیک	شبکه ژئوکالچرال
چرخه سیستم	خودمختار	خودمختار	خودمختار
نوع چرخه	قدرت نظامی	قدرت اقتصادی	تمدنی
قواعد	قدرت و اصل خودباری	سود و سرمایه	هویت
الگوهای رفتاری	تعارضی	همکاری - تعارضی	عمدتاً تعارضی
ساماندهی الگوهای رفتاری	درونی - خارجی	درونی	درونی - خارجی

۴-۱ پیوند شبکه متداخل و دیپلماسی

شبکه متداخل به وجود آمده توسط الگوی ارتباطات از طریق تأثیرگذاری بر وضعیت چانه زنی کشورها و عناصر تشکیل دهنده آن، به شکل گیری الگوی دیپلماسی کمک می‌کند. در این شبکه رابطه زیر شکل می‌گیرد:

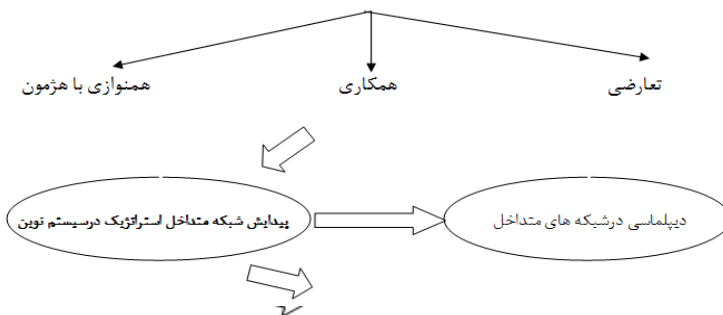
شبکه متداخل ← وضعیت چانه زنی الگوی دیپلماسی کشور

شبکه متداخل با تقسیم سیستم و تغییر وضعیت چانه‌زنی دیپلماتیک بر سطح‌بندی ارزش‌های تولیدی و معادله سود و هزینه اثرگذار است (رجوع شود به: قاسمی، ۱۳۸۶). در این حالت شبکه‌های متداخل از بخش‌های مختلف سیستم که در عرصه سیاست بین‌الملل دارای ارزش استراتژیک متفاوت و متمایز هستند، تشکیل شده است و بنابراین ارزش‌های مختلفی را وارد عرصه مبادلات استراتژیک بین واحدها خواهند ساخت. به صورت کلی شبکه‌های متداخل بازی‌های استراتژیک را از حالت یک سطحی و ساده خارج کرده و بازی‌های چند سطحی استراتژیک را سبب خواهند شد که در نتیجه آن، انواع الگوهای دیپلماسی نوین منطقه‌ای شکل می‌گیرد. به صورت خلاصه، سازوکارهای چنین پیوندی را می‌توان به صورت زیر نشان داد:



شکل ۲: نظم در شبکه‌های متداخل

شکل گیری انواع الگوهای رفتاری در شبکه



شکل ۳: پیوند شبکه متداخل و انواع دیپلماسی



۲- دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران و شبکه‌های متداخل

۲-۱- کالبد شکافی شبکه استراتژیک متداخل جمهوری اسلامی ایران

شبکه متداخل جمهوری اسلامی ایران، بر اثر کارکرد چندین متغیر شکل می‌گیرد؛ نخستین متغیر متداخل کارکردی است. اصولاً این متداخل به دلیل چند کارکردی بودن سیستم جهانی است. سیستم مذکور دارای سه کارکرد اصلی است و به همین سبب به سه سیستم فرعی نیز تقسیم می‌شود. نخستین کارکرد آن، امنیت سیستمی است که خود را در چرخه قدرت نظامی و سیستم یا خرده شبکه ژئوپلیتیک نشان خواهد داد. از این منظر ایران جزئی از ساختار ژئوپلیتیک سیستم جهانی و چرخه موجود در این سیستم است. به همین سبب حلقه‌های ژئوپلیتیک ایران در قالب صحنه استراتژیک رقابت بین قدرت‌ها تعریف خواهد شد. دومین کارکرد سیستم جهانی در قالب اقتصادی و تأمین امنیت اقتصادی واحدها قابل تعریف است که این موضوع خود را در سیستم یا شبکه ژئواکونومیک و چرخه اقتصادی یا انباشت نشان می‌دهد. به همین سبب ساختار ژئواکونومیک سیستم جهانی شکل می‌گیرد که هر کشور از جمله ایران بر اساس تقسیم کار جهانی دارای جایگاه مشخصی خواهد بود. سرانجام کارکرد هویتی و غیر مادی سیستم جهانی است که در قالب چرخه تمدنی و شبکه‌های ژئوکالچرال تعریف خواهد شد و کشورها بر اساس عنصر هویتی، تمدنی جایگاه مشخصی را به خود اختصاص می‌دهند و به دلیل هم‌زمانی کارکردهای مذکور و هم‌زمانی عضویت کشورها، نوعی شبکه متداخل تحقق می‌یابد. جمهوری اسلامی ایران نیز مشمول چنین تداخلی خواهد بود. تداخل فیزیکی مذکور تداخل نقش، قواعد، مرزها و کنش‌ها و... را به دنبال خواهد داشت. جمهوری اسلامی ایران به دلایل مذکور، درون مجموعه‌ای از شبکه‌های منطقه‌ای اعم از شبکه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال قرار گرفته است و حاصل چنین چینی از شبکه‌ها در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، شکل‌گیری شبکه جامع اما متداخل منطقه‌ای آن خواهد بود. بر همین اساس برای ترسیم شبکه استراتژیک این کشور می‌بایست با مبنا قرار دادن چگالی ارتباطات و وجود حلقه‌های پیوندی، جایگاه هر کدام از گره‌ها را بر اساس شبکه‌های متداخل مشخص کرد. بر اساس کاربست نظریه شبکه، شبکه استراتژیک ایران البته از منظر پیوند جغرافیایی، از حلقه‌های متمایز اما به هم مرتبط شکل گرفته است.

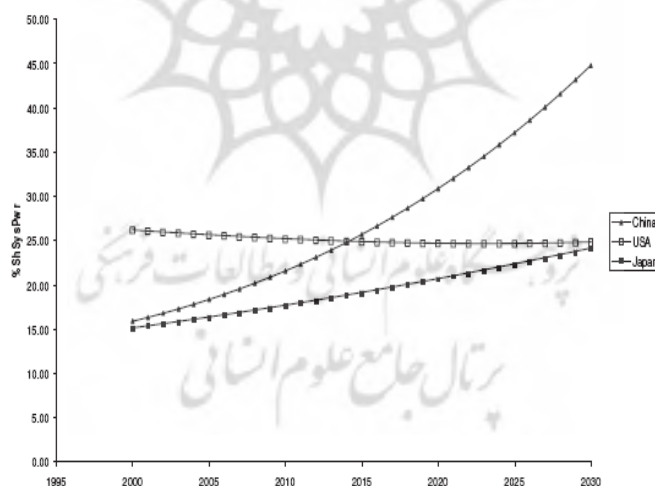
۲-۲- ترسیم شبکه متداخل منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

در ترسیم شبکه متداخل همان‌طور که گفته شد، متغیرهای مختلفی شکل می‌گیرند که مهم‌ترین آن‌ها در قالب کارکردی، جغرافیایی و هویتی قابل تشخیص است. اما آن‌چه در نظریه شبکه و سیستم‌های پیچیده مطرح است، اصل هم‌زمانی است که بر پایه آن متغیرها و الگوهای مختلف با وجود تمایز، به فعالیت و

تأثیرگذاری هم‌زمان بر فرآیندهای نظم اقدام می‌کند و وجود چنین هم‌زمانی است که تداخل شبکه‌ای را سبب می‌شود. در حوزه شبکه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز چنین تمایز و هم‌زمانی را می‌توان مشاهده کرد. اصل تمایز خود را در وجود شبکه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال نشان می‌دهند که به ترتیب بر اساس سه متغیر قدرت، اقتصاد و هویت به وجود می‌آیند و هم‌زمانی این سه را نیز بایستی در تداخل شبکه‌های سه‌گانه ناشی از آن‌ها مشاهده کرد.

۲-۱-۲- شبکه ژئوپلیتیک

شبکه ژئوپلیتیک ایران، حاصل دو چرخه قدرت یعنی چرخه قدرت ایران و کشورهای عضو آن در سطح منطقه‌ای و چرخه جهانی قدرت، با عضویت قدرت‌های بزرگ است. ساختار شبکه ژئوپلیتیک جهانی به صورت یک منطقه استراتژیک وسیع و گسترده در نظر گرفته می‌شود و هژمون که در حال حاضر آمریکا است، برای کنترل، آن‌را به مناطق ژئوپلیتیک کوچک‌تری تقسیم می‌کند. هر منطقه ژئوپلیتیک دارای اصول، قواعد و ساخت ژئوپلیتیک و سیستم کنترل نظم خاص خود است و یک سیستم تابعه محسوب می‌شود. در حال حاضر شبکه ژئوپلیتیک جهانی حاصل رقابت راه‌بردی میان آمریکا و سایر قدرت‌های در حال ظهور است. این نقشه از قدرت‌های در حال ظهور چین، ژاپن و قدرت در حال بازسازی روسیه و یا قدرت در حال رشد هند ناشی می‌شود. آن‌چه در این زمینه قابل انکار نیست قدرت در حال ظهور چین است، به گونه‌ای که در سال‌های نه چندان دور با نزدیک‌تر شدن فاصله قدرتی بین چین و آمریکا نظم جهانی وارد دوران گذار خواهد شد. نمودار زیر چنین رقابتی را در سال‌های پیش‌رو نشان می‌دهد.



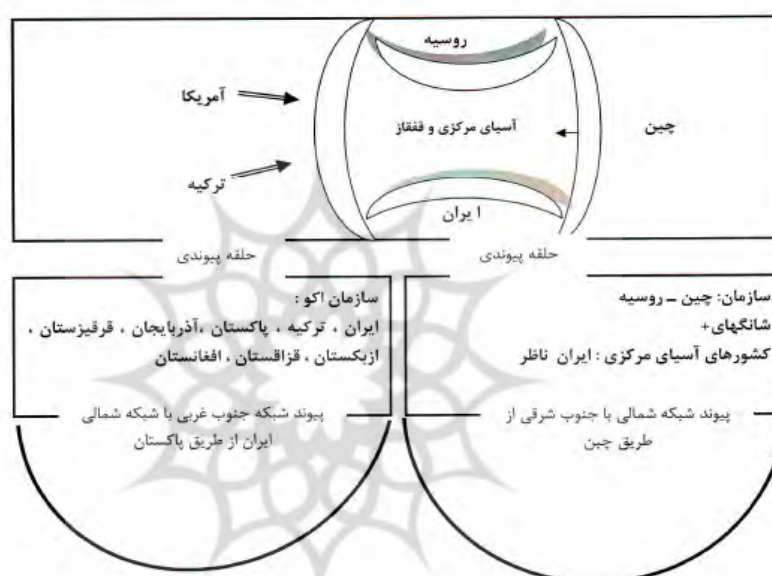
شکل ۴: چرخه قدرت چین، آمریکا و ژاپن از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰. Source: Kissane, 2008, pp.11.2030

موضوع مذکور در حال تغییر دادن ساختار ژئوپلیتیک سیستم جهانی و گستره جغرافیایی آن است. با تحولات مذکور حوزه پیرامونی جمهوری اسلامی ایران از بعد ارزش ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک تغییر خواهد کرد. بر این اساس حوزه‌هایی مانند خلیج فارس، پاکستان، افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز یا گستره در حال ظهور شانگهای به عنوان حوزه‌های ژئوپلیتیک ایران از ارزش بسیار زیادتری برخوردار است. در این میان حلقه خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز، غرب آسیا، حوزه‌هایی مانند شامات و حتی حوزه‌ای از شمال آفریقا و شبه قاره هند از ارزش زیادی برخوردار می‌شود.

حلقه خلیج فارس با ویژگی ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال در حوزه کنش‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران از سه لایه تشکیل شده است. یکی از لایه‌های سیستم، مشکل از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است که گذشته از شباهت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، انسجام سازمانی آن را از دیگر بخش‌ها به‌ویژه بخش یا لایه دوم متمایز می‌کند. از سوی دیگر، ایران و عراق شکل‌دهنده حلقه دوم سیستم تابعه خلیج فارس به‌شمار می‌آیند؛ زیرا عملاً به‌علت ویژگی‌های سازمانی، از لایه سازمانی حذف شده‌اند، اما به‌دلیل هم‌جواری جغرافیایی در سیستم تابعه دارای نقش بوده و درجه اثرگذاری آن‌ها بر نظم منطقه‌ای بسیار بیش از حلقه شورای همکاری خلیج فارس است (قاسمی، ۱۳۸۱ص ۴۳). حلقه سوم شامل قدرت یا قدرت‌های مداخله‌گر مانند آمریکا و برخی از کشورهای غربی است که به ایفای نقش در حوزه سیاست بین‌الملل منطقه‌ای می‌پردازند. حلقه خلیج فارس دارای ویژگی‌های مختلفی از جمله عدم تکامل ساختاری، نقصان در فرآیندهای سیاسی-امنیتی، عدم کارکرد اقتصاد منطقه‌ای به‌دلیل مکمل نبودن اقتصادهای منطقه است. به همین سبب منطقه خلیج فارس دارای سیستم‌های امنیتی فردگرایانه مانند موازنه قوا و بازدارندگی است، اما به‌صورت غیر بومی و با مشارکت قدرت مداخله‌گر. این موضوع عملاً قدرت‌های منطقه‌ای را با کسری نقش روبه‌رو کرده و سبب افزایش سطح تنش‌های منطقه‌ای می‌شود. دومین حلقه مهم، آسیای مرکزی و قفقاز است. سیستم تابعه آسیای مرکزی و قفقاز به‌دلیل نوظهور بودن و خلاءهای سیستمی درون آن، همراه با ناکارایی‌های درونی زمینه را برای نقش‌یابی قدرت‌های پیرامونی و مداخله‌گر فراهم ساخته است. در این میان، به‌دلیل وضعیت جغرافیایی، ایران جزئی از سیستم مذکور به حساب می‌آید. نقش‌یابی‌های ایران همراه با تعارض ایران و آمریکا از یک سو و زمینه‌های پیوند بین این سیستم تابعه و مرکز سیستم بین‌المللی به‌دلیل علایق مرکز و خطرهای احتمالی مورد تصور آن -از جمله خطر ایران- زمینه را برای شکل‌بخشیدن سیستم کنترل منطقه‌ای مورد حمایت آمریکا مانند اسرائیل فراهم می‌سازد. واحدهای منطقه‌ای مانند ترکیه نیز نقش مهمی را در چنین سیستمی اعمال می‌کنند

(قاسمی ۱۳۸۱، صص ۴۵-۴۴). از سوی دیگر، وجود قدرت فرامنطقه‌ای روسیه و عضویت آن در این حلقه، ساختار آن را به سمت ساختار هژمونیک مبتنی بر همکاری سوق داده است. لذا تقابل قدرت‌های مداخله‌گر مانند آمریکا در حلقه از یک سو و وجود هژمون فرامنطقه‌ای روسیه از سوی دیگر و به دنبال آن وجود قدرت‌های نسبتاً منطقه‌ای مانند ایران و ترکیه، پیچیدگی خاصی به معادله نظم در این حلقه می‌بخشد. حلقه مذکور به چند دلیل از جمله دلایل ارتباطی و خویشاوندی درون حوزه امنیتی ایران قرار می‌گیرد. بر این اساس نه تنها امروزه حلقه مذکور در حوزه امنیتی ایران قرار دارد، بلکه انگیزه‌ها و دلایل توجیهی فراوانی نیز در راستای توجه به منطقه و حضور فعال و جدی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است.

شبکه ژئوپلیتیکی موجود در حوزه شمالی ایران



شکل ۵: ایران و شبکه آسیای میانه و قفقاز، منبع: قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۳۸

از سوی دیگر، تغییر چرخه جهانی قدرت و به ویژه قدرت یابی چین در این چرخه، از طریق تغییر ساختار ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک سیستم جهانی، حلقه جنوب غرب آسیا تأثیر مستقیمی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. با قدرت یابی چین، نقشه ژئوپلیتیک این منطقه تغییر خواهد کرد و به کانونی در رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل خواهد شد (رجوع شود به: Kumar, 2003، Kissane, 2008).

Chin & Thakur, 2010, Kissan, 2005). این حوزه شامل کشورهایی چون هند، پاکستان، افغانستان است و به دلیل موقعیت جغرافیایی، ایران را نیز در بر می‌گیرد. سرانجام شبه قاره هند با محوریت هند، نقش بسیار زیادی در تعادل ژئوپلیتیک سیستم در حال تغییر آینده خواهد داشت. این در حالی است که حوزه شامات، شمال آفریقا به به دلیل درگیر بودن در چرخه قدرت خاورمیانه عملاً به عنوان بخشی از حلقه ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده‌اند. به این ترتیب، این حوزه بر اساس عنصر ارتباطات البته با ماهیت و محتوای قدرت ایران، به عنوان یکی از کانون‌های ارتباطی در ساختار ژئوپلیتیک جهانی نوین مطرح می‌گردد و این موضوع هسته اصلی شبکه منطقه‌ای آن را در حوزه ژئوپلیتیک تشکیل می‌دهد. بر این اساس شبکه منطقه‌ای ژئوپلیتیک ایران شبکه‌ای چند شاخه‌ای است که شاخه‌های مذکور از شرق به چین، از غرب به اروپا و آمریکا و از شمال به روسیه و از جنوب به خلیج فارس گسترش می‌یابد و در برگیرنده گستره‌هایی مانند خلیج فارس، شمال آفریقا و مهم‌تر از آن شاخه‌های نوین شبه قاره هند و همسایگان شرقی، آسیای میانه و قفقاز و نواحی در حال ظهور شانگهای خواهد بود. از سوی دیگر ایران به دلیل قرار گرفتن در کانون سازه ژئوپلیتیک آینده، به عنوان گره و واحد پیونددهنده شبکه‌ای مطرح می‌گردد که این موضوع آن را در برابر فرآیندهای نظامی-امنیتی آینده هم آسیب‌پذیر ساخته و هم می‌تواند به عنوان قاعده دیپلماسی نوین مطرح و وضعیت چانه‌زنی آن را بهبود بخشد.

۲-۲-۲- شبکه ژئواکونومیک

شبکه ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران از گستره منطقه‌ای چندی تشکیل شده است که بر اساس میزان ارتباطات اقتصادی و تجاری و نوع آن و همچنین پیوند کارکردی بین حلقه‌های شبکه ژئواکونومیک جهانی در قالب چرخه جهانی اقتصاد چنین شبکه‌ای پدیدار می‌شود. در این میان گره‌های متعددی در چنین شبکه‌ای قابل شناسایی است. در این راستا خلیج فارس نخستین حوزه یا گره شبکه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. منطقه خلیج فارس با دارا بودن حدود ۶۶ درصد نفت خام و بیش از ۳۵ درصد گاز طبیعی جهان به عنوان بزرگ‌ترین مخزن انرژی در دنیا طی سال‌های آینده اهمیت حیاتی خود را حفظ خواهد کرد. ایران دارای بیشترین میادین مشترک در خلیج فارس است (میرحیدر و عسگری، ۱۳۸۲، ص ۹۹) و یکی از مهم‌ترین واحدهای درگیر در کارکرد اقتصادی چنین حوزه‌ای است. این در حالی است که مرکزیت در حوزه مذکور نوعی پیوند کارکردی بین این کشور و اقتصاد جهانی در قالب رابطه با واحدهای مصرف‌کننده چنین ماده‌ای برقرار می‌کند. جدول زیر بیان‌گر مصرف و تقاضا برای نفت و در نتیجه چگالی ارتباطی جمهوری اسلامی ایران و حلقه‌های مذکور است.

از طرفی با مبنا قرار دادن نظریه سیستم جهانی به عنوان چارچوب کارکردی شبکه ژئواکونومیک، شکل گیری چرخه قدرت اقتصادی باعث کارکردی شدن سیستم بین الملل بر اساس اصل مزیت نسبی می- شود. بر این اساس شبکه ژئواکونومیک جهانی به چندین شبکه ژئواکونومیک منطقه‌ای شامل مرکز، پیرامون و شبه پیرامون که هر کدام دارای کارکرد و مزیتی خاص هستند، تقسیم می‌شود (رجوع کنید به (Wallerstein, 1976, Sanderson, 2005).

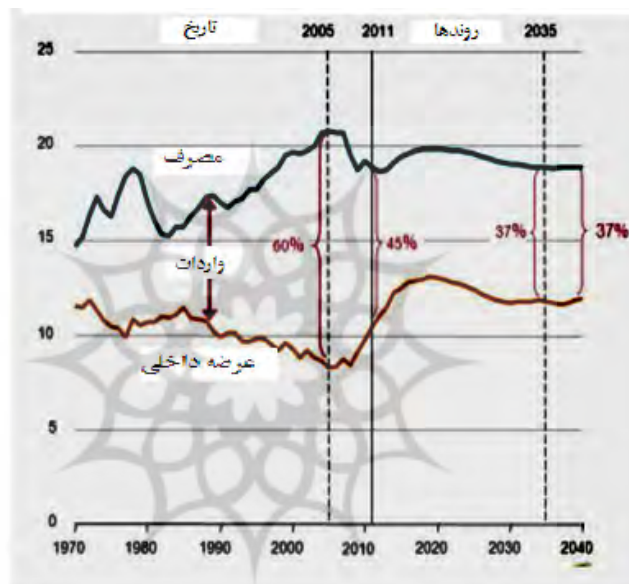
جدول (۱): مصرف نفت و گاز طبیعی بین سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۳۰

گاز		نفت				منطقه کشور
میانگین رشد سالانه	سال ۲۰۳۰	سال ۲۰۰۳	میانگین رشد سالانه	سال ۲۰۳۰	سال ۲۰۰۳	
۱,۱	۳۶,۶	۲۷,۴	۱,۲	۳۳,۴	۲۴,۳	آمریکای شمالی
۰,۷	۲۶,۹	۲۲,۳	۱,۲	۲۷,۶	۲۰,۱	آمریکا
۲	۳۰,۸	۱۷,۸	۰,۲	۱۶,۳	۱۵,۵	اروپای غربی
۱,۲	۶,۸	۵	۰,۵	۱۰,۱	۸,۸	آسیای صنعتی
۰,۸	۳,۸	۳,۱	-۰,۱	۵,۴	۵,۶	ژاپن
۲	۴۰,۵	۲۳,۶	۱,۴	۷,۱	۴,۹	شوروی سابق
۵,۱	۲۸,۸	۷,۵	۳	۲۹,۸	۱۳,۵	آسیای در حال توسعه
۶,۸	۷	۱,۲	۳,۸	۱۵	۵,۶	چین
۵,۹	۴,۵	۱	۲,۴	۴,۵	۲,۳	هند
۱,۷	۱,۳	۹	۱,۷	۳,۵	۲,۲	کره جنوبی
۳,۹	۱,۸	۳,۸	۱,۸	۸,۵	۵,۳	آمریکای مرکزی و جنوبی
۳,۴	۱۹,۶	۷,۹	۱,۵	۷,۸	۵,۳	خاورمیانه
۴,۴	۸,۱	۲,۶	۲,۳	۴,۹	۲,۷	آفریقا
۲,۴	۱۸۲	۹۵	۱,۴	۱۱۸	۸۰,۱	کل

منبع: قاسمی، ۱۳۸۹، ص، ۷۴. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تمامی این مناطق در پیوند کارکردی با یکدیگر است که ادامه حیات خواهند داد. کشورهای پیرامون و شبه پیرامون نیازمند مواد خام و سوخت‌های فسیلی برای تولیدات صنعتی و بیمه صنعتی خود هستند. در

واقع نوعی ارتباط کارکردی میان آن‌ها پدید می‌آید. با توجه به مسیر خطوط حمل‌ونقل و کریدورهای انرژی می‌توان تشخیص داد که ایران در این شبکه ژئواکونومیک از قدرت نوع پیوندی برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران، از جمله کشورهایی است که به لحاظ قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی بسیار مناسب از مزایای ترانزیتی بهره‌مند بوده و با گسترش شبکه حمل‌ونقل و ارتباط مطمئن و کارآمد می‌تواند از این مزایا در راستای افزایش درآمدهای ارزی و ارتقای موقعیت استراتژیک خود در منطقه به نحو مطلوب استفاده کند. در جنوب ایران خلیج فارس قرار دارد که کشورهای عمده تولیدکننده نفت جهان را در خود جای داده است و این منطقه به عنوان گلوگاه انرژی جهان محسوب می‌شود (رجوع شود به: مدنی، ۱۳۸۵). در شمال ایران نیز دریای خزر قرار دارد که بهترین پل ارتباطی میان کشورهای ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان است و می‌تواند نقش مهمی در تجارت میان این کشورها ایفا کند.



شکل ۶: تخمین میزان وابستگی آمریکا به واردات نفت تا سال ۲۰۳۵
 (بر حسب میلیون بشکه در روز)، 2013, Cordesman, Source:

همچنین ایران از غرب و شرق با کشورهای عراق، ترکیه، پاکستان و افغانستان همسایه است. می‌توان گفت ارتباط ایران با ۱۵ کشور جهان از طریق مرزهای آبی و خاکی برقرار می‌شود و در عین حال نیز ایران به نوبه خود می‌تواند به عنوان پل ارتباطی میان این کشورها (با یکدیگر و سایر مناطق جهان) به ایفای نقش

بپردازد. این کشورها جمعیت فراوانی دارند و از درآمدهای زیادی برخوردار هستند. این عوامل نیز با در اختیار داشتن منابع و ثروت ملی می‌تواند در توسعه ترانزیت و تجارت در منطقه مؤثر باشد. ارتباط کشورهای آسیای میانه با خلیج فارس و برقراری رابطه تجاری بین شرق آسیا با کشورهای اروپایی از طریق ایران، بسیار مقرون به صرفه است (رجوع کنید به اخباری و دیگران، ۱۳۹۰، گودرزی، ۱۳۸۸).

علاوه بر این رشد تقاضای جهانی برای انرژی از یک سو و فروکش کردن ذخایر موجود در مناطقی از جهان مانند دریای شمال و آمریکای مرکزی از سوی دیگر، موجب افزایش حساسیت ارتباط کارکردی میان مناطق مصرف‌کننده و تولیدکننده انرژی می‌شود. همچنین این موضوع باعث شکل‌گیری کریدور جدید انرژی می‌شود که رأس یا مبدأ این کریدور خلیج فارس است. اکنون اهمیت مسیر انرژی به اندازه خود انرژی است. به موازات شکل‌گیری کریدور انرژی، لوله‌های انتقال گاز منطقه نیز از اهمیت بیشتری برخوردار خواهند شد، زیربنای این چشم‌انداز با توافق اولیه بین ایران و هند برای انتقال گاز ایران از طریق پاکستان به هند صورت گرفته است (میرحیدر و عسگری، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰).

ایران با قرار گرفتن در مرکز بازار تولید، در قیاس با دیگر کشورهای دارنده منابع انرژی، اقتصادی‌ترین، امن‌ترین و نزدیک‌ترین پل ارتباطی محسوب می‌شود. ایران در این زمینه دارای امتیازات گوناگونی است، از جمله:

۱) استفاده از مسیر ترانزیتی ایران علاوه بر بازار اروپا می‌تواند بازارهای شرق و جنوب شرق آسیا و همچنین هند را (که از مصرف‌کنندگان عمده انرژی هستند) به کشورهای صادرکننده حاشیه دریای خزر پیوند دهد.

۲) ایران به علت رشد مصرف انرژی می‌تواند بخشی از نیازهای نفت و گاز خود در شهرهای شمالی را از طریق خرید این منابع از کشورهای نفت‌خیز حاشیه خزر تأمین کرده و همین میزان نفت را از طریق مناطق نفت‌خیز جنوب ایران در خلیج فارس صادر کند. با این روش هزینه‌های انتقال نفت و گاز در داخل ایران کاهش می‌یابد (لشکری، ۱۳۸۹، ص ۲۹).

موقعیت استراتژیک ایران (و محور شرق) در منطقه، ظرفیت‌های گسترده‌ای برای ترانزیت کالا، ترانزیت سوخت و عبور خط لوله نفت و گاز آسیای مرکزی فراهم کرده است (رجوع شود به: عطایی و شبیانی، ۱۳۹۰). زیربنای حمل و نقل داخلی و خطوط لوله ایران، اگرچه برای پاسخ‌گویی وسیع به نیازهای گسترده جهانی و منطقه‌ای، نیازمند اصلاح، به‌سازی و تکمیل است، لیکن در شرایط کنونی نیز در مقایسه، نسبتاً توسعه یافته است. در مجموع ایران از این ظرفیت برخوردار است تا در شرایط موجود، به عنوان پلی به

اقتصاد جهانی، برای کشورهای محصور در خشکی منطقه، به ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز نقش محوری ایفا کند. ایران با توجه به ویژگی های خود، برای انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز، به دریای آزاد در جنوب و جنوب شرقی آسیا و گاز خود به اروپا (از طریق ترکیه و قفقاز و شاید در آینده از طریق عراق و سوریه) در مقام مقایسه، از شرایط مطلوبی برخوردار است (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۳۶۷).

۲-۳- شبکه ژئوکالچرال

شبکه های ژئوکالچرال نیز بر اساس روابط خویشاوندی و نسبی شکل می گیرد. روابط نسبی نوعی روابط خونی، نژادی و دینی است و شباهت در سابقه تاریخی، تمدنی، مذهبی و قومیتی را در بر می گیرد. با توجه به این موضوع می توان شبکه ژئوکالچرال ایران را با توجه به شباهت در سابقه تاریخی تمدنی ایران که ریشه در تاریخ ایران و تمدن اسلامی دارد و همچنین نژاد آریایی و مذهب تشیع جست و جو کرد. ایران یکی از بزرگ ترین کشورهای مسلمان در منطقه است و اهمیت آن به اندازه ای است که در شبکه ژئوکالچرال به عنوان قطب جهان اسلام نیز شناخته می شود. بدین جهت ایران دارای بیشترین قرابت مذهبی با کشورهای مسلمان و به خصوص کشورهای شیعه نشین است. نقشه توزیع گروه های مذهبی در منطقه به گونه ای است که از آن به عنوان «هلال شیعی» یاد می کنند که از ایران تا عراق، سوریه و لبنان کشیده شده است. در واقع این هلال شیعی بیان گر نفوذ ناشی از پیوند شبکه ای ایران در کشورهای دیگر خاورمیانه است. از طرفی ایران دارای قرابت فرهنگی، قومی و زبانی با کشورهای حوزه های جنوب غربی آسیا، آسیای میانه و قفقاز و همچنین خاورمیانه است.

۳- شکل گیری شبکه متداخل جمهوری اسلامی ایران و دیپلماسی منطقه ای آن

به این ترتیب جمهوری اسلامی ایران با سه منطق دیپلماتیک که سازه فیزیکی نیز به دنبال دارد، روبه رو است. منطق قدرت نظامی در سطح جهانی و منطقه ای مندرج در سازه ژئوپلیتیک، منطق اقتصاد مندرج در سازه ژئواکونومیک و منطق هویت مندرج در سازه ژئوکالچر، از آن جمله است. اصل هم زمانی کارکرد اصول منطقی و سازه های فیزیکی ناشی از آن ها از یک سو و پیوند کارکردی بین آن ها، ایران را در حوزه منطقه ای با شبکه متداخل روبه رو می کند.

ایران با عضویت در هر یک از حوزه های ژئوپلیتیک خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز، جنوب غربی آسیا و خاورمیانه زمینه ادغام این حوزه های ژئوپلیتیک را فراهم می آورد. از طرفی با اتصال به حلقه پیوندی ترکیه حوزه ژئوپلیتیک اروپا را نیز به شبکه ژئوپلیتیک خود وارد می سازد. تداخل خرده شبکه های جمهوری اسلامی ایران به دلایل امنیتی، ژئوپلیتیک، کارکردی و هویتی رخ می دهد و تداخل مرزهای

ژئوپلیتیک با ژئواکونومیک و ژئوکالچرال جمهوری اسلامی ایران به وضوح و با شدت زیادی قابل مشاهده خواهد بود. این تداخل به گونه‌ای است که شبکه متداخل ایران را به شبکه‌ای چند لایه‌ای تقسیم می‌کند. در لایه اول شبکه متداخل جمهوری اسلامی ایران، در حلقه‌های تشکیل دهنده آن، تداخل از شدت بالایی برخوردار می‌باشد، به عبارتی در این حلقه‌ها ارتباطات درونی و به ویژه با جمهوری اسلامی ایران دارای شدت بالایی است و لذا هسته مرکزی شبکه متداخل را شکل می‌دهند. در لایه دوم حلقه‌ها یا به عبارتی خرده شبکه‌هایی قرار دارند که به علت ارتباطات کنترلی، وارد شبکه متداخل جمهوری اسلامی ایران شده و جریان ارتباطی آن‌ها بر این اساس قابل تبیین می‌باشد. اروپا و آمریکا، روسیه و چین در زمره واحدهای تشکیل دهنده چنین لایه‌ای می‌باشند. سرانجام لایه‌های حاشیه‌ای هستند که در مقایسه با لایه اول و دوم، شدت ارتباطات آن‌ها با بقیه اعضای شبکه و جمهوری اسلامی ایران، بسیار پایین می‌باشد.

۳-۱- تأثیر شبکه متداخل بر وضعیت چانه‌زنی دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران

شبکه‌های متداخل به دلیل شکل‌دهی به مدل‌های مختلف در وضعیت چانه‌زنی، از جمله مدل نگرانی‌های دوجانبه و تشخیصی، بر دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران اثرگذار خواهند بود که شمای کلی آن‌را می‌توان به صورت جدول (۲) نشان داد.

۳-۲- تأثیر گذاری بر نوع بازی‌های استراتژیک در حوزه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران

در شبکه متداخل، جمهوری اسلامی ایران با ترکیبی از موضوعات ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و همچنین موضوعات ژئوکالچرال روبه‌رو است، با توجه به ساختار ژئوپلیتیک جهان و رقابت قدرت‌های بزرگ، فشارهای ژئوپلیتیکی شکل می‌گیرند که جمهوری اسلامی ایران را در بر گرفته و مشکلات فراوانی را برای آن به وجود آورده است. از طرفی با توجه به این که جمهوری اسلامی ایران در شبکه ژئواکونومیک خود در گستره خاورمیانه، جنوب غربی آسیا و آسیای میانه و قفقاز دارای قدرت بالقوه پیوندی است، در نتیجه تمام تلاش ایران متوجه تحقق این قدرت پیوندی است. در شبکه ژئوکالچرال نیز ایران درگیر موضوعات تمدن اسلامی است. با توجه به این که تمدن اسلامی نیز از دو بخش مرکز و پیرامون تشکیل شده و دو بخش مرکزی جهان اسلام یعنی ایران و عربستان در رقابت با یکدیگر هستند، هدف ایران در شبکه ژئوکالچرال تنظیم این رقابت‌ها است. هدف بازی‌های استراتژیک در شبکه متداخل جمهوری اسلامی ایران تنظیم راه حل‌های حاصل از ترکیب وضعیت همکاری-تعارضی، واحدهای درگیر و همچنین موضوعات ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال به منظور دست‌یابی به ثبات است (رجوع کنید به قاسمی، ۱۳۹۱، Stone, 2001 ; Allan & Dupont, 1999).

جدول (۲): تأثیر شبکه متداخل جمهوری اسلامی ایران بر وضعیت چانه‌زنی دیپلماسی ایران

پارامترهای شبکه	مبتغی ژئواکونومیکی: موفقیت برحسب در تأمین انرژی جهانی	ژئوکالچرال و توزیع قومیت‌ها و گروه‌های مذهبی
طرف‌های دیپلماسی	کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی	گروه‌های قومی، مذهبی محدودکننده و کشورهای کنترل‌کننده
تعارض منابع	تعارض منابع بین ایران و عربستان به عنوان تولیدکننده	تعارض ناشی از جنبش گروه‌های قومی و نژاد آنها
بهم‌وابستگی منابع	پیوند کارکردی میان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان	وابستگی منابع در کنترل گروه‌های قومی
بنده-بستان دیپلماتیک	بنده-بستان دیپلماتیک برای خرید، فروش، انتقال و ترانزیت انرژی و کالا	ناممکن بودن و یا بسیار مشکل بودن بنده-بستان‌های دیپلماتیک
استراتژی نفوذ	نفوذ در کشورهای مصرف‌کننده و تولیدکنندگان	نفوذ در گروه‌های موجود در شبکه، ژئوکالچرال ایران
بی‌اقتداری	منفی	منفی
تسلیم	منفی	منفی
حل مسأله	مثبت	مثبت
سازش	مثبت	منفی
نوع موضوع	موضوع قابل تقسیم	موضوع غیر قابل تقسیم
گسره خرواسته‌ها	مهم	بسیار زیاد
بهم‌وابستگی طرفین	بازی حاصل جمع مثبت	بازی حاصل جمع جبری صفر
تداوم تعادلات	رابطه میان مثبت و بلنمدت	بلنمدت
ساختار طرفین مذاکرات	دوجانبه و چندجانبه	دوجانبه و چندجانبه
وجود طرف سوم	وجود طرف سوم	عدم وجود طرف سوم
میزان دستاوردها	متوازن	نامتوازن

امنیتی بودن شبکه به دلیل حضور قدرت مداخله گر و جایگاه شبکه در	ژئوپلیتیک توزیع قدرت اقتصادی نظامی
کشورهای قدرتمند مداخله گر جهانی در کنار کنترل برآمده	کشورهای بسیار قوی کنترل کننده و همسایگان ضعیف منطقه‌ای
بسیار زیاد	محدود
وابستگی منابع در کنترل آمیوب منطقه‌ای و توریسم	وابستگی منابع کشورهای منطقه علیه تهدید
بده-بستان دیپلماتیک برای کنترل تهدید	مشکل بودن بده-بستان دیپلماتیک
نفوذ در کشورهای بیرو	نفوذ در کشورهای دارای ارتباطات نظامی و اقتصادی
منفی	منفی
منفی	منفی
محدود	محدود
موضوع قابل تقسیم	موضوع غیر قابل تقسیم
بسیار زیاد	بسیار زیاد
بازی حاصل جمع ترکیبی	بازی حاصل جمع جبری صفر
رابطه میان مدت	بلند مدت
دو جانبه و چند جانبه	دو جانبه و چند جانبه
عدم وجود طرف سوم	عدم وجود طرف سوم
نامعواران	نامعواران

۳-۳- شبکه‌های متداخل و تأثیرگذاری بر گونه‌های دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران

با مشخص شدن ویژگی‌های شبکه متداخل جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای آن بر دیپلماسی منطقه‌ای و بازی‌های استراتژیک، به بررسی گونه‌های دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته خواهد شد. این موضوع در سطح دیپلماسی سنتی، دیپلماسی عمومی و منابع قدرت نرم ایران و همچنین الگوهای دیپلماسی بررسی می‌شود.

۳-۳-۱- دیپلماسی سنتی جمهوری اسلامی ایران

نخستین حوزه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، در قالب دیپلماسی کلاسیک و سنتی قابل تعریف است. ویژگی‌های مهم این الگو از دیپلماسی، امنیت محوری و نظامی بودن است. در این چارچوب مهم‌ترین ویژگی دیپلماسی کلاسیک ایران عبارتند از:

۱. شکل‌گیری دیپلماسی حول امنیت محوری؛
۲. قدرت نظامی و سخت به عنوان نیروی بنیادین و اساسی در دیپلماسی و کنش‌های دیپلماتیک؛
۳. کنترل در قالب قدرت سخت نظامی؛
۴. کانال‌های رسمی به عنوان حوزه انتقال پیام‌ها؛
۵. پیام‌های نظامی و قدرت محور به عنوان مهم‌ترین پیام‌های دیپلماتیک و یا حمایت‌کننده سایر پیام‌ها؛
۶. قدرت سخت نظامی به عنوان مهم‌ترین قاعده ارتباطی در سیستم؛
۷. ساختار ژئوپلیتیک سیستم جهانی به عنوان چارچوب شکل‌دهنده به دیپلماسی؛
۸. رقابت بین چین و آمریکا به عنوان عامل شکل‌دهنده و افزایش‌دهنده حساسیت‌های ژئوپلیتیک بخشی از گستره ژئوپلیتیک ایران؛
۹. شکل‌گیری حوزه نوینی از ژئوپلیتیک، شامل شانگهای در حال ظهور و کشورهایمانند پاکستان، افغانستان و حتی هند؛
۱۰. آشوبی شدن حوزه‌های ژئوپلیتیک ایران به دلیل بروز تغییر در آن‌ها؛
۱۱. شکل‌گیری دیپلماسی بازدارنده در قالب طراحی سیستم بازدارندگی به عنوان اساسی‌ترین راه‌برد در حوزه دیپلماسی؛
۱۲. دیپلماسی مبتنی بر بازدارندگی مثلی در مقابل مداخله‌گر به عنوان کارآمدترین سیستم حفظ نظم مطلوب منطقه‌ای حوزه دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. موازنه قوای منطقه‌ای در حوزه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین دستور کارهای دیپلماتیک آن (رجوع شود به قاسمی، ۱۳۸۹، صص ۵۷-۹۴، قاسمی، ۱۳۹۱ الف، صص ۶۰-۹۰، قاسمی، ۱۳۹۱ ب، صص ۱۷۲-۲۱۳، Verma, 2007, pp. 3280-3301, (Dijkstra, 2009).

۳-۲- دیپلماسی نرم

امروزه دیپلماسی نرم در قالب دیپلماسی عمومی تعریف می‌شود. دیپلماسی عمومی را می‌توان پایه انواع دیپلماسی‌هایی دانست که با ورود فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و به تناسب پیشرفت نوآوری‌های آن با اصطلاحاتی ترکیبی متشکل از نام آن فن‌آوری همراه با دیپلماسی مطرح می‌شوند. وجه تمایز اصلی انواع دیپلماسی عمومی از دیپلماسی سنتی در نوع ارتباط با مردم و استفاده از وسائل تبلیغی است (رجوع شود به: Scholte, 2000 Payne, 2009). تفاوت دیپلماسی عمومی با دیپلماسی سنتی در این است که دیپلماسی عمومی نه فقط با دولت‌ها بلکه از ابتدا با مردم و سازمان‌های غیر دولتی سروکار دارد و فعالیت‌های آن‌ها

محدود به نظرات دولت نیست بلکه نظرات دولت، سازمان‌های خصوصی و افراد نیز مد نظر قرار می‌گیرند. به عقیده قدرت‌های بزرگ، دیپلماسی عمومی ابزار اصلی قدرت نرم است و می‌رود تا در قرن بیست و یکم، جایگاهی عمده در عرصه روابط بین‌المللی به خود اختصاص دهد (رجوع کنید به Gilboa, 2008, pp. 55-77). دیپلماسی عمومی مبنای اصلی برای مقبولیت و اعتبار یک کشور در سطح بین‌المللی و درک مردم جهان از اقدامات آن کشور را فراهم می‌سازد (لطفی و سرابی، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

با وجود این، باید گفت دیپلماسی عمومی تنها بخشی از دیپلماسی نرم است، امروزه می‌توان از اشکال نوینی از قدرت نرم نیز صحبت به میان آورد که اثر خود را از راه جذابیت، فریبندگی، برنامه‌ریزی فرهنگی و ترویج رشته‌ای از ارزش‌ها به کمک رسانه آشکار می‌سازند. اما در حوزه دیپلماسی قدرت پیوندی، سایبری، ارتباطی و... نیز مطرح است که قابلیت کاربرد در حوزه دیپلماسی را خواهند داشت. قدرت نرم ایران در شبکه متداخل بر پایه نفوذ در ایجاد پیوند میان حوزه‌های استراتژیک در نظر گرفته می‌شود (وحیدی، ۱۳۸۹، هرسیج، ۱۳۸۸، صص ۳۴۹-۳۸۷). در این میان مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده به دیپلماسی نرم جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱. ارتباطات و پیوند بخشی بین شبکه‌های فرعی در شبکه متداخل به عنوان نقطه آغاز دیپلماسی نرم

جمهوری اسلامی ایران؛

۲. شبکه‌سازی جامع از شبکه‌های سه گانه ژئوپلیتیک، ژئوکالچرال و ژئواکونومیک (شبکه‌سازی

مبتنی بر ارتباطات)؛

۳. شبکه‌سازی خویشاوندی و پیوندبخشی بین شبکه‌های سه گانه.

۳-۳-۳- دیپلماسی هوشمند جمهوری اسلامی ایران

با توجه به وضعیت کنونی و جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران در شبکه استراتژیک متداخل (شبکه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال) شاید بتوان گفت تنها نوع دیپلماسی که می‌تواند ایران را در رسیدن به اهداف سیاست خارجی یاری رساند، «دیپلماسی هوشمند» است. اگر قدرت هوشمند بنا به تعریف جوزف نای، ترکیب قدرت سخت و قدرت نرم در نظر گرفته شود (Nye, 2008, pp. 94-108)، در قرن ۲۱ قدرت سخت و قدرت نرم هر کدام به تنهایی قادر به تأمین خواسته‌های سیاست خارجی نیستند ولی جمع این دو شاید بتواند نیازهای دستگاه سیاست خارجی را تأمین کند. اگر دیپلماسی سنتی و نوین اعم از اقتصادی، سیاسی و امنیتی نحوه اجرای قدرت سخت و دیپلماسی عمومی حالت بالفعل قدرت نرم در نظر گرفته شود، در این صورت دیپلماسی هوشمند نیز می‌تواند ترکیبی از دیپلماسی سخت (اقتصادی، سیاسی، امنیتی) و دیپلماسی نرم باشد. در واقع، در دیپلماسی هوشمند خروجی یک شبکه، ورودی شبکه

دیگر محسوب می‌شود و همه این شبکه‌ها در تعامل و ارتباط با یکدیگر هستند. درحقیقت، دیپلماسی هوشمند مبتنی بر برقراری پیوند بین بخش‌های مختلف یک شبکه و یا شبکه‌های مختلف از طریق فرآیند بازخورانی است. دیپلماسی عمومی و دیپلماسی سنتی و نوین در دیپلماسی هوشمند هم‌زمان زمینه پیوند بین موضوعات و فضاها را به‌وجود می‌آورد (در مورد برخی از ابعاد مربوط به موضوعات مذکور رجوع شود به: نصری، ۱۳۸۰، لطفیان، ۱۳۸۶، لشکری، ۱۳۸۹، کولایی، ۱۳۸۹ و Kumar 2003). در این میان شمای کلی از عناصر دیپلماسی هوشمند جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱. ترکیب قدرت سخت و نرم جمهوری اسلامی ایران به عنوان زیربنای دیپلماسی هوشمند جمهوری اسلامی ایران؛
 ۲. موازنه قوای هوشمند به عنوان دستور کار دیپلماسی در وضعیت تداخل بازی‌های استراتژیک در شبکه متداخل؛
 ۳. بازدارندگی هوشمند ارتباطی، به عنوان دستور کار دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران؛
 ۴. ایجاد فرآیند بازخورانی بین شبکه‌های سه‌گانه (ژئوپلیتیک، ژئوکالچرال و ژئواکونومیک) در قالب سیستم‌های سایبری به عنوان دستور کار اساسی در حوزه دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران؛
 ۵. ردیابی تهدیدات ارتباطی در شبکه متداخل جمهوری اسلامی ایران به عنوان نخستین حوزه مدیریت و کنترل نظم سیستمی؛
 ۶. بهینه‌سازی ارتباطی و پیوندی در قالب بهبود بخشیدن به فرآیند بازخورانی بین خرده شبکه‌های شبکه متداخل؛
 ۷. برنامه‌سازی در قالب هدفمندی جریان ارتباطی و سایبری بین شبکه‌های سه‌گانه؛
 ۸. پایدارسازی جریانی ارتباطی و پیوندی بین خرده شبکه‌ها؛
 ۹. چند سطحی نمودن بازی‌های استراتژیک و پیوند بین آن‌ها در قالب توزیع دستاوردها.
- در این راستا شمای کلی دیپلماسی ایران در شبکه متداخل را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

بکارگیری انواع بازی های استراتژیک چند سطحی در شبکه متداخل



۱. ترکیب قدرت سخت و نرم جمهوری اسلامی ایران
۲. موازنه قوای هوشمند
۳. بازدارندگی هوشمند ارتباطی
۴. ایجاد فرآیند بازخورانی بین شبکه های سه گانه
۵. ردیابی تهدیدات ارتباطی در شبکه متداخل
۶. بهینه سازی ارتباطی و پیوندی
۷. برنامه سازی در قالب هدفمندی جریان ارتباطی و سبیری بین شبکه های سه گانه
۸. پایدار سازی

شکل ۷: گونه شناسی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در شبکه های متداخل

نتیجه گیری و سیاست‌های کاربردی

تعیین راه‌برد دیپلماسی واحدها در سیستم نوین بین‌المللی برای تأمین منافع ملی، یکی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های آن‌ها محسوب می‌شود. لذا، مدل‌سازی نظری آن در حوزه علمی در شرایط نوین بین‌الملل و اهمیت یافتن ارتباطات، از جمله وظایف دانشگاهی به‌شمار می‌آید. امروزه سیستم‌های ساده کلاسیک تا حدود بسیار زیادی ارزش تحلیلی خود را در سیاست بین‌الملل از دست داده و سیستم‌های پیچیده و آشوبی جایگزین آن گردیده‌اند. در نتیجه، نظریه شبکه می‌تواند جایگزینی برای نگرش‌های سنتی در تحلیل دیپلماسی باشد. در این راستا، مدل‌سازی دیپلماسی منطقه‌ای در قالب شبکه متداخل نخستین گام اساسی محسوب می‌شود. بر این اساس، شبکه متداخل با ویژگی‌های ساختی و درونی آن در قالب متداخل متغیرهای ژئوپلیتیک، ژاکونومیک و ژئوکالچرال و پیوندهای ارتباطی و خویشاوندی در قالب مدل شبکه‌های متداخل، مهم‌ترین چارچوب نوین نظم سیستمی محسوب می‌شوند. این شبکه‌ها دارای قواعد و مرزبندی‌های خاصی هستند که عناصر دیپلماسی را متحول خواهند ساخت و با تغییر وضعیت چانه‌زنی منطقه‌ای و جهانی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای دستگاه دیپلماسی فراهم کرده و مدل منطقی دیپلماتیک در قالب قواعد دیپلماسی و مدل فیزیکی سیستم دیپلماتیک در قالب الگوهای دیپلماسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

جمهوری اسلامی ایران نیز مانند هر بازیگر یا واحد دیگری، درون شبکه پیچیده جهانی و همچنین شبکه محلی خود ایفای نقش می‌کند که البته در حوزه مدیریتی، گاه شبکه‌های مذکور از ناکارایی داخلی و مداخله خارجی رنج می‌برند. اما به دلیل انعطاف‌پذیری شبکه‌ها، قدرت مانور ایران به‌ویژه مانور خارجی آن در حوزه دیپلماسی در حال افزایش است. البته این بهره‌مندی با دیپلماسی شبکه‌سازی نوین ایران به‌ویژه توان شبکه‌سازی محلی آن، پیوند مستقیمی دارد.

شبکه متداخل استراتژیک فرصتی برای کشور پدید می‌آورد که با کمک دیپلماسی هوشمند بتواند از طریق بازی‌های چند سطحی، تعادل را در نظم نامتقارن پیچیده‌ای که امروزه با آن روبه‌رو است، ایجاد نماید. برای تأمین اهداف دیپلماسی می‌توان سیاست‌های پیشنهادی زیر را ارائه کرد:

- برقراری پیوند هر چه بیشتر در میان خوشه‌ها و حلقه‌های درونی یک منطقه از یک سو و پیوند آن با سایر مناطق؛

- ایجاد گستردگی در پیوند و رسیدن به شبکه‌هایی با قابلیت بیشتر در تأمین نیازمندی‌های ایران؛

- استفاده از قدرت پیوندی در هر شبکه به منظور ارتباط حلقه‌ها و آگاهی از نیازهای مشترک هر شبکه به منظور انسجام بخشی؛

- ارتقاء سطح قدرت پیوندی ایران و تبدیل آن از بالقوه به بالفعل؛
- تلاش در جهت کاهش حساسیت و آسیب‌پذیری‌های ایران در سیستم جهانی از طریق برنامه‌های مدیریتی کارآمد در هر منطقه در پیوند با سایر مناطق؛
- تقویت سازوکارهای سیاست، فرهنگ و به‌خصوص اقتصاد در داخل کشور، برای نشان دادن قدرت نرم و افزایش اثرگذاری آن در سایر حوزه‌های استراتژیک؛
- بازدارندگی و موازنه قوای هوشمند به عنوان دستور کار امنیتی جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی.

منابع

- اخباری، م. و عبدی، ع. مختاری هشی، ح. (۱۳۹۰). موقعیت ژئوپلیتیک ایران و تلاش آمریکا برای تثبیت هژمونی خود در جهان، مطالعه موردی طرح خاورمیانه بزرگ. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی. ۷۵، ۸۷-۱۱۲.
- امینی، آ. و انعامی علمداری، س. (۱۳۹۱). جهانی شدن فرهنگ و کارکرد دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی. فصلنامه راهبرد، ۶۵، ۳۹۳-۴۱۴.
- اعظمی، ه. و دبیری، ع. ا. (۱۳۹۱). ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک ایران در آسیای مرکزی. فصلنامه فضای جغرافیایی، ۴۰، ۲۴-۴۵.
- بهمن، ش. (۱۳۹۰). چالش‌ها و راهبردهای امنیتی ایران و قفقاز. دو ماهنامه تحولات ایران و اوراسیا (ایراس)، ۳۲، ۱۹-۳۵.
- جوادی‌ارجمند، م. ج. (۱۳۹۲). تأثیر جهانی شدن بر دیپلماسی عمومی در اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۰ (۳۴)، ۱۶۳-۱۸۰.
- رادبوی، م. (۱۳۸۹). مجموعه مقالات دیپلماسی عمومی (جایگاه کمک‌های توسعه‌ای در دیپلماسی عمومی). تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- سجادپور، س. م. و مهدی‌زاده، م. (۱۳۹۱). اجرای سیاست خارجی، قدرت نرم و ارتباطات. دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۷، ۸۱-۹۸.
- سریع‌القلم، م. (۱۳۷۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازنگری و پارادایم ائتلاف. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سیف‌زاده، س. ح. (۱۳۸۴). سیاست خارجی ایران: رهیافتی نظری - رویکردی عملی. تهران: نشر میزان.
- عطایی، ف. و اعظم، ش. (۱۳۹۰). زمینه‌های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۴ (۸)، ۱۳۱-۱۵۱.

- قاسمی، ف. (۱۳۸۱). طرح مفهومی مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه خاورمیانه*، ۹(۴)، ۳۵-۵۸.
- قاسمی، ف. (۱۳۸۴). *اصول روابط بین الملل*. تهران: نشر میزان.
- قاسمی، ف. (۱۳۸۶). *دیپلماسی و روابط بین الملل*. تهران: نشر میزان.
- قاسمی، ف. (۱۳۸۷الف). نظام نوین بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ۱۳(۳و۴)، ۱۵-۳۹.
- قاسمی، ف. (۱۳۸۷ب). نگرش شبکه‌ای به مناطق و تحلیل فرآیندهای آن از دیدگاه تئوری‌های سیکلی. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۴(۱)، ۹۶-۱۲۹.
- قاسمی، ف. (۱۳۹۰). *نظریه‌های روابط بین الملل و مطالعات منطقه‌ای*. تهران: نشر میزان.
- قاسمی، ف. (۱۳۹۱). بنیان‌های نظری موازنه قوای هوشمند در شبکه‌های فاقد معیار منطقه‌ای (گامی به سوی ارائه نظریه نوین موازنه قوای منطقه‌ای). *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۸، ۱۷۲-۲۱۳.
- کولایی، ا. (۱۳۸۹). جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۶، ۷۵-۱۱۱.
- گودرزی، م. (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک انرژی در منطقه دریای مازندران و اهمیت جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات اورسیای مرکزی*، ۲(۵)، ۱۱۷-۱۳۸.
- لشکری، ا. (۱۳۸۹). انتقال منابع انرژی خزر: تعارضی مابین اهداف سیاسی آمریکا و مزیت‌های ژئوپلیتیک ایران. *دو ماهنامه تحولات ایران و اوراسیا*، ۲۸، ۲۷-۳۱.
- لطفی سرابی، ا. (۱۳۸۹). *مجموعه مقالات دیپلماسی عمومی (تأملی نظری در مفهوم دیپلماسی عمومی)*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- لطفیان، س. (۱۳۸۶). چالش‌های جدید امنیتی خلیج فارس: بررسی منافع مثلث ایران- آمریکا و شورای همکاری خلیج فارس. *فصلنامه خاورمیانه*، ۱۳ و ۱۴، ۹-۵۶.
- محرابی، ع. (۱۳۹۲). بررسی جایگاه ژئوپلیتیک انرژی در تأمین امنیت ملی از منظر سه رویکرد امنیت ملی. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۲۹، ۳۲-۵۹.
- مدنی، م. (۱۳۸۵). تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس. *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ۲۰(۱)، ۱۴۰-۱۷۰.
- مصطفی‌نژاد، ع. و حق‌شناس، م. ر. (۱۳۹۱). جایگاه چین در اقتصاد انرژی خلیج فارس با تمرکز بر جمهوری اسلامی ایران. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۲۹(۲)، ۱۷۳-۲۰۸.
- میرحیدر، د. و عسکری، س. (۱۳۸۲). فلات قاره ایران در خلیج فارس، چشم‌انداز ژئوپلیتیک انرژی. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، ۴۴، صص ۹۹-۱۱۰.
- نصری، ق. (۱۳۸۰). *نفث و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نصیری، ح. (۱۳۸۷). بررسی موقعیت ایران و کشورهای رقیب در مبادلات جهانی - منطقه‌ای (با تأکید بر توسعه محور شرق). فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۸(۳)، ۳۷۷-۳۴۹.

وحیدی، م. (۱۳۸۹). دیپلماسی در جهان در حال تحول (سازوکارها و کارکردهای نوین). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

هادیان، ن. و احدی، ا. (۱۳۸۸). جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ۱(۳)، ۸۵-۱۱۸.

هرسیج، ح. و رحیمی، ر. (۱۳۹۱). تحلیل تطبیقی تأثیر تحولات سیاسی ۲۰۱۱ منطقه بر میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۷، ۹۹-۱۲۸.

هرسیج، ح. (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۴(۲)، ۳۷۷-۳۴۹.

- Blue, G. W. (2008). Thinking with networks. *Science and Public Policy*, 35(6), 459-460
- Dicken, P., et al. (2001). Chains and networks, territories and scales; towards a relational framework for analyzing the global economy. *Global Networks*, 1 & 2, 89-112.
- Gilboa, E. (2008). Searching for a theory of public diplomacy. *The ANNALS of the American Academy of Political And Social Science*, 616, 55-77.
- Holton, R. j. (2005). Network discourses: proliferation, critique and synthesis. *Global Networks*, 502, 209-215.
- Kissane, D. (2005). 2015 and the Rise of China: power cycle analysis and the implications for Australian security challenges. 1, 105-121.
- Kumar, S. (2003). Power cycle analysis of India, China, and Pakistan in regional and global politics. *International Political Science Review*, 24, 113-122.
- Lesne, A. (2006). Complex networks: from graph theory to biology. *Letters in Mathematical Physics*, 78, 235-262.
- Payne, J. G. (2009). Reflections on public diplomacy: people-to-people. *Communication American Behavioral Scientist*, 53, 579.
- Nye, J. (2008). Public diplomacy and soft power, *American Academy of Political And Social Science*, 94-109.
- Pierre, A., et al. (1999). International relations theory and game theory: Baroque modeling choices and empirical robustness. *International Political Science Review*, 20, 23-47.
- Sanderson, S. K. (2005). World-systems analysis after thirty years should it rest in peace?. *International Journal of Comparative Sociology*; 46, 179-213.
- Scholte, J. A. (2000). *Globalization: a critical introduction*. London: Macmillan.
- Stacey, R. et al. (2000). *Complexity and management: fad or radical challenge to systems thinking?*. London: Routledge.
- Stone, R. w. (2001). The use and abuse of game theory in international relation. *Journal of Conflict Resolution*, 45(2), 216-244.
- Thelen, E. (2005). Dynamic systems theory and the complexity of change. *Psychoanalytic Dialogues*, 15(2), 255-283.
- Tilebein, M. (2006). Complex adaptive systems approach to efficiency and innovation. *Kybernetes*, 35(7&8), 1087-1099.

- Wallenstein, I. (1976). *The modern world system*. New York: Academic Press.
- B. P. (2009). *Statistical review of world energy*.
- ELA. (2005). *International energy outlook*.

